

# فقه سنتی

□ فقه سنتی چیست؟ و چرا حضرت امام بر ادامه آن در حوزه‌ها تاکید فرمودند؟

● سنتی یعنی روشی که از پیشینیان به ما رسیده است. فقه سنتی که از آن به فقه جواهری نیز تعبیر می‌شود روشی است در استنباط و استخراج احکام عملی شرع از مصادر معتبر آن که فقهای شیعه از دوران معصومین علیهم السلام، تا امروز از آن پیروی می‌کنند. و غیر آن را نمی‌پذیرند و اساس آن مبتنی است بر کتاب و سنت و اجماع و عقل به شرح زیر:

## ۱- کتاب

یعنی قرآن کریم که در آن حدود پانصد آیه در مورد احکام عملی فرعی آمده است. بعضی از احکام در قرآن به آن تصریح شده است و هیچ احتمال خلافی در آن داده نمی‌شود مانند وجوب نماز و روزه، اینگونه از احکام قرآن قطعی و ضروری اسلام شمرده می‌شود که هیچ کس از مسلمانان در آن شک روا نمی‌دارد. و بعضی از آیات قرآن از متشابهات است که ظاهر روشنی از آن، که عرف و لغت بر آن اعتماد کند استفاده نمی‌شود و شکی نیست که استفاده از این آیات مشوقف بر تفسیر آن است یا با کمک و استمداد از آیات محکمات بنا بر تفسیر قرآن به قرآن یا با استمداد از روایات بنا بر تفسیر قرآن به روایات اهل بیت علیهم السلام و بعضی از احکام از ظواهر الفاظ قرآن یعنی از لفظ آن در عرف عرب استفاده به معنی می‌شود که عقلا در محاورات خود بر آن اعتماد می‌کنند. گرچه احتمال خلاف آن نیز داده می‌شود ولی این احتمال خلاف در محاورات عرفی مورد اعتنا نیست. اکثر علمای شیعه قائلند که ظواهر قرآن حجت است و باید طبق همان معنای ظاهر عمل کرد مگر اینکه تفسیری برخلاف آن رسیده باشد. ولی علمای اخباری ما معتقدند که ظواهر قرآن باید با مراجعه به تفسیر اهل بیت (ع) مورد استدلال واقع شود نه بدون آن.

یعنی فعل و قول و تقریر معصوم. کاری که از معصوم سر می‌زند حداقل دلالت بر جواز آن دارد و همچنین ترک عملی از معصوم حداقل دلیل بر عدم وجوب آن است. و اما تقریر معصوم یعنی سکوت او در مقابل عمل دیگران با فرض اینکه مانعی از ابراز حکم واقعی مانند تقیه نباشد دلیل بر جواز آن است و استفاده‌های دیگری نیز از این قبیل از تقریر معصوم می‌شود. و اما قول و گفتار معصوم همان احادیث و روایاتی است که به وسیله روایات و رجال حدیث به دست ما رسیده و با مراجعه به کتب رجال و تشخیص روایات مورد اعتماد و بررسی احادیث از نظر متن و سند و تحقیق از صحت و ضعف آنها و عرضه داشتن آنها بر قرآن کریم و ملاحظه نسبت آنها با یکدیگر از نظر عام و خاص و مطلق و مقید و مجمل و مبین و رفع تعارض آنها در صورت امکان یا یافتن راه حلی برای رسیدن به آن چه حجت است در مورد تعارض و امثال اینگونه اعمال فنی در مورد احادیث، حکم شرعی را از آنها استخراج می‌کنند.

روشن است که سنت، مهم‌ترین منبع استنباط حکم است. گرچه قرآن اصل قطعی و مسلم و مرجع اختلاف احادیث بلکه اختلاف مذاهب است ولی به دلیل عدم تعرض آن به تفصیلات احکام و واگذاری این جهت به حکم آیه «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» به رسول اکرم (ص) نقش سنت در بیان تفصیلی احکام شرع بیشتر می‌باشد. البته احادیث اهل بیت (ع) نیز همان سنت رسول اکرم (ص) است که به وسیله امانتداران علم و گنجینه‌های دانش او در طول سالها طبق مصلحت تدرج در بیان احکام به مسلمانان ابلاغ شده است.

## ۳- اجماع

یعنی اتفاق فقها در یک مسئله، از نظر فقه شیعه اجماع حجیتی بالذات ندارد بلکه به این اعتبار که کشف از قول معصوم می‌کند حجت است. و در این باره راههای مختلفی ارائه شده که هر کس یکی از آنها را بپذیرد از اجماع کشف قول معصوم نموده و حجت شرعی بر او تمام خواهد بود. و اگر کسی هیچکدام از آن راهها را نپذیرفت، حداقل اتفاق فقها بلکه شهرت مطلبی میان آنها انگیزه‌ای برای تحقیق بیشتر و یافتن مدرک استنباط می‌شود.

## ۴- عقل

در دو مورد از دلیل عقلی استنباط حکم شرع می‌شود:  
۱- در موردی که حکمی از شارع رسیده باشد و دلیل عقلی قطعی

اثبات کند ملازمه میان آن حکم و یک حکم دیگر که در این صورت آن حکم دیگر نیز به عنوان یک حکم شرعی استنباط می شود. اینگونه احکام عقل را می گویند ملازمات عقلیه.

۲- در موردی که عقل مستقلاً حکم کند به قبح یا حسن عملی که در این صورت حکم شرعی نیز استفاده می شود بنا بر قاعده ملازمه (هر چه را عقل حکم کند شرع نیز حکم می کند). اینگونه احکام را می گویند مستقلات عقلیه. تشخیص موارد استقلال عقل در حکم به قبح و حسن یا حکم عقل به ملازمه میان حکمی و حکم دیگر از مباحث عقلی علم اصول است که کاری فنی و بسیار پیچیده می باشد.

این است روش سنتی استنباط احکام شرع از مصادر آن. و این است که حضرت امام دام ظلّه تأکید بر ادامه و استمرار آن دارند.

### ادامه سنت پیشینیان

ممکن است کسی توهم کند که این یک نوع ارتجاع و واپس گرایی است، چرا ما باید بر سنت پیشینیان باقی باشیم و به خود اجازه تحول ندهیم؟! پاسخ این توهم این است که همان گونه که اصل احکام شرع باید از مصادر وحی گرفته شود و نباید در مقابل نص شارع، اظهار نظر شود و قیبه واقعی آن کسی است که بتواند در این زمان و در هر زمان و مکانی جو فقهی زمان صدور احکام را برای خود مجسم کند و احکام را بدون دخالت رأی و نظر شخصی استفاده کند (تفصیل این جهت را در شماره ۲۶ مجله به عنوان فلسفه احکام متذکر شدیم) همچنان روش استفاده احکام و استنباط آنها نیز باید با اجازه شارع یا تشریح او باشد. یعنی روش باید از سوی او ابتکار و اختراع شده باشد یا روش معمول را اجازه و تفیذ کند و گرنه ممکن است هر رمال و جادوگر و غیبگو و فالگیری ادعای کشف احکام شرع به وسیله رمل و جفر و مانند آن بکند. بدیهی است اینگونه روشها مشروع نیست و حجیتی ندارد.

### مدعیان اسلام شناسی

تأکید حضرت امام دام ظلّه بر ادامه روش پیشینیان برای جلوگیری از نفوذ افکار غلط و توهمات کسانی است که با منطقیهای خیالی خود می پندارند که از فقها فقه ترند! و فقه یک فن اختصاصی نیست! و هر کس یک کتاب لغت داشته باشد می تواند احکام خدا را بدست بیاورد!!! این طرز تفکر در سالهای گذشته به وسیله مدعیان اسلام شناسی که اکثراً اسلام شناسی را از پاریس و لندن و نیویورک به ارمغان آوردند. در جامعه مطرح گردید و برای مدت کمی متأسفانه نفوذی یافت که باید با آن مبارزه کرد. مثلاً در مقابل روش فقه سنتی در استفاده از قرآن کسانی سعی

داشتند آیات قرآن را با تأویل و توجیه های غلط و ناسازگار با لفظ و استعمال عرب، با مطالبی که خود از پیش اختیار کرده اند، مطابق سازند. اخیراً این روش ناپسند از یک مشت جاهلان بی سواد - که حتی در خواندن قرآن جاهلند ناچه رسد به تفسیر و تأویل آن - بسیار دیده شده است. از باب مثال به یک نمونه کوچک ولی خیلی روشن اشاره می کنیم:

فردی که خود را دکتر و اسلام شناس! و فقیه! واقفه! معرفی می کرد هم در سخنرانیهایش که آن زمان از صدای جمهوری اسلامی پخش شد و هم در کتاب اقتصاد توحیدی این آیه را چنین آورده است: «ولا تَقِیْتُ مالِیسَ لکَ به علم» در اصل آیه ولا تقف به سکون قاف و ضم فاء است یعنی پیروی نکن از آنچه نمی دانی که متأسفانه این شخص، خود آنچه نمی دانست پیروی می کرد و می خواند ولا تقف به کسر قاف و سکون فاء و می گفت یعنی اگر چیزی را ندانستی توقف نکن بلکه برو و تحقیق کن!! حال بگذریم از این که این سخن از نظر جمله بندی عربی غلط است و تازه این معنا را نمی دهد ولی سخن در این است که اینگونه افراد آن قدر به برداشتهای غلط از قرآن کریم اطمینان دارند که زحمت مراجعه کردن نه به تفسیر نه به کتاب لغت بلکه به رسم الخط قرآن نیز بخود نمی دهند.

### تاویل های بیجا

تاویل های که اینگونه افراد در مورد احکام اسلام و معارف الهی و حقوق اجتماعی در آیات قرآن روا داشته اند آن قدر زیاد است و آن قدر سخن در باره آنها طولانی است که شاید برای خوانندگان مجله ملال آور باشید. استاد شهید آیه الله مطهری که سخت با این روش مبارزه می کرد در کتابهای مختلفی متعرض بعضی از آنها شده است و بعضی از آنها در سخنرانیهای ایشان از رادیو پخش شده، ولی جای تأسف است که هنوز این روش در افرادی که حتماً توجه ندارند و در استفاده از قرآن عجله بخرج می دهند باقی است.

مدتی پیش سخنان سخنرانی که اکنون نام و طرز تفکر او را به یاد ندارم از تریبون آزادی پخش می شد، در مورد همگانی بودن اموال (سومیالیست) سخن می گفت و به این آیه تمسک می کرد:

«ضرب لکم مثلاً من انفسکم هل لکم من ما ملک ایمانکم من شرکاء فی ما رزقناکم فانتم فیہ سواء تخافونهم کخیفتمکم انفسکم...»

روم - ۲۸  
و از جمله «فانتم فیہ سواء» چنین استفاده می کرد؛ شما همه در آنچه به شما روزی داده ایم مساوی هستید و شریکید!! ترجمه آیه این است: (خداوند مثلی از خودتان برای شما آورده است: آیا از بردگانتان برای شما در آنچه به شما روزی داده ایم شریک هستند که با شما مساوی باشند و از آنها بترسید همچنانکه از یکدیگر

می ترسید؟!)

دقیقاً معنای آیه بعکس مطلب آن آقا است. او «فانتم فيه سواء» را جداگانه معنی می کرد و گویی ربطی به ما قبل و مابعد ندارد، در حالیکه این جمله جزء جمله استفهامی انکاری است. و منظور این است که چنین نیست و این مثل برای تذکر این مطلب است که: پس چگونه برای خدا از مخلوقات او شریک در ربوبیت و پروردگاری قائلید، با اینکه بردگان که مانند شما انسانند در اموال شما شریک نیستند و مانند شما قدرت ندارند که از آنان بترسید.

و همچنین اخیراً مقاله ای در یکی از روزنامه ها در مورد حقوق زن آمده است که ظاهراً با استفاده از آیه «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» سعی شده که تساوی زن و مرد از نظر همه حقوق اجتماعی اثبات شود.

اگر منظور این باشد که زن و مرد هر دو حقوق در جامعه دارند که قانونگذاران و مجریان و حکام شرع باید از هر دو قشر دفاع کنند و شکایت هر کدام را بپذیرند و حقوق او را از دستگش باز ستانند صحیح است. ولی اگر منظور این باشد که زن و مرد از نظر اسلام در حقوق و احکام شرعی یکسانند قطعاً صحیح نیست؛ زن حقوقی دارد که مرد ندارد و مرد حقوقی دارد که زن ندارد. و اختلاف زن و مرد از نظر حقوق شرعی یک امر قطعی است.

و همچنین در مورد احادیث نیز با تفسیر و تاویلهای غلط، احکام از پیش ساخته ای را به اسلام و مذهب تشیع نسبت می دهند و مخصوصاً در این جهت از کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه و بعضی از احادیث رسول اکرم (ص) بیشتر سوء استفاده می کنند و دلیل این مطلب دو جهت است:

۱- اینکه قرآن و کلمات رسول اکرم (ص) و نهج البلاغه به لحاظ بعد ادبی بسیار عالی که دارد در نهایت ایجاز و اختصار صادر شده است و لذا بعضی از آنها قابل تاویل و توجیه است. بخلاف احادیث صادره از ائمه معصومین علیهم السلام که در مقام بیان تفصیلی و غالباً در مورد سؤال و پرسش افراد صادر شده است که اکثراً واضح و برای کسی که تا اندازه ای با زبان عربی آشنا باشد روشن است و قابل تاویل و توجیه نیست.

کسانی که اینگونه از قرآن و غیره استفاده می کنند غالباً افراد دقیق و با اطلاعی هستند که عملاً در جستجوی کلمات و جملات مشابه که ظاهری روشن ندارد و قابل تاویل است می باشند. خداوند درباره اینان فرموده است:

«هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و آخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زغ فبئس ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویل...»

- او است (خداوند) که فرو فرستاد بر تو کتاب را که از آن آیاتی

است محکمات و برخی دیگر متشابهات. آنانکه در دلنهایشان انحرافی است در پی متشابهات هستند به منظور فتنه انگیزی و به منظور تاویل کردن آن آیات.

بحث در معنای آیات محکمات و متشابهات و معنای تاویل مفصل است که این مقاله جای بحث از آن نیست ولی اجمالاً از خود آیه استفاده می شود که محکمات آیاتی است که ظاهری واضح و روشن دارد و قابل تاویل و توجیه نیست و لذا به کار منحرقان و فتنه انگیزان نمی آید. آیات متشابهات ظاهری روشن ندارد و قابل تاویل است که البته تاویل آن را از آنکه قرآن بر او نازل شد و از اهل بیتش باید پرسیدنه از هر جاهل عالم نمانی.

۲- دلیل دیگر روی آوردن این منحرقین به قرآن و نهج البلاغه قدسیت و موقعیت عظیم آنها در میان مسلمانان است. کسانی که به این دلیل از قرآن و نهج البلاغه سوء استفاده می کنند احتیاج به جستجوی متشابهات ندارند. در جایی که بایک تغییر جزئی در زیر و زبر کلمه و مانند آن به معنای مورد توجه خویش دست می یابند دیگر چه احتیاج هست که به کلمات متشابه تسک کنند و در صد تاویل و توجیه آن بربایند!! و غالباً افرادی که در عصر حاضر سوء استفاده از قرآن و نهج البلاغه می کنند همانگونه که در مثالها ذکر شد، از این قبیلند که اکثراً از پائین بودن سطح معلومات افراد و بخصوص درمزیای زبان عربی سوء استفاد می کنند.

### استدلالاتی همدعیان فقه

بعضی از اینگونه مدعیان فقه از بعضی روایات با یک نوع استدلال و مقدمه چینی خنده آوری مطالب پیش ساخته خویش را استفاده می کنند. مثلاً در یکی از روزنامه ها از زبان همان فقیه روشنفکر که خود را مغز متفکر قرن می پنداشت استدلالی به این ترتیب آمده بود که در روایت است که در جامعه امام زمان (ع) همه مردم فقیهاند و چون حرکت جامعه ما باید در جهت تحقق آرمانهای آن جامعه باشد پس باید همه مردم ما از زن و مرد بسوی مقام فقاها و اجتهاد حرکت کنند و چون هر مجتهدی می تواند حاکم شرع و قاضی باشد پس نباید در مقام قضاوت بانوان تشکیک کرد و در نتیجه بانوانی که در دادگستری به عنوان قاضی مشغول به کار بودند باید در منصب خود باقی باشند!!

این استدلال به اندازه ای مضحک است که فکرنمی کنم احتیاج به توضیح داشته باشد و نظیر این استدلال از جای دیگر نیز شنیده می شد که در جامعه امام زمان داد و ستد نیست و هر کس هر چیزی را به آن محتاج بود از هر دکاتی که باز بود برمی دارد!!! و با

بقیه در صفحه ۷۴

دنباله فقه سنتی

همان مقدمه که حرکت ما نیز باید به سوی تحقق بخشیدن به آرمانهای آن جامعه باشد پس سومیالیست به معنای جنگلی آن که به مراتب از معنای مارکسیستی آن پست تر و ابتدائی تر است باید در جامعه محقق شود. نمی دانم این روایات را آقایان از کجا می یابند و این طرز استدلال باچه منطقی ترتیب می یابد؟!

## تاویل های ارتجاعی

ولی ناگفته نماند که کسانی همان سخن واضح و روشن حضرت امام دام ظلّه را به گونه ای ارتجاعی معنی کرده اند و به این دلیل می خواهند سدی در مقابل پیشرفت فقه ایجاد کنند. اینان پنداشته اند که منظور حضرت امام از فقه سنتی این است که باید در مسائل فقهی از گفته های فقهای پیشین تقلید کرد و مثلاً طبق کتاب مبسوط شیخ (ره) باید قانونگذاری کرد و دیگر کسی حق اظهار نظر در مقابل فقه سنتی یعنی فقهت پیشینان ندارد! غافل از اینکه تحریر الوسیله حضرت امام در بسیاری از مسائل با بسیاری از فقهای پیشین مخالف است و اصولاً اجتهاد و زنده بودن و باز بودن راه اجتهاد به همین معنی است و اگر بنا بود از فقه گذشتگان فقط تقلید کنیم دیگر احتیاج به حوزه و فقهت و درس و بحث نداشتیم. بسیاری از مباحث فقهی و اصولی دایره در حوزه اصلاً در کتب سابقین

## فقه همیشه پویا است

از سوی دیگر بعضی از نویسندگان فقه سنتی را به این دلیل می گویند که پاسخگوی مسائل کنونی جامعه نیست و با خلط مبحث دعوت به فقه پویا می کنند و به خیال خود فقه را دو قسم کرده اند. ولی فقه یک قسم است و همیشه پویا و متحرک است و مشکلات هر زمان را حل می کند. و اگر کسانی از بزرگان انتقاد بر مباحث فقهی گذشته کرده اند، به این معنی است که چرا بحث از مسائل مهم تر در اوضاع کنونی نمی شود و چرا دوره های فقه باز هم از طهارت و صلاة شروع می شود و هیچگاه ختم نمی شود و در این زمان نیز فقه از ابتدای طهارت شروع می کند؟! چرا مسائل روز را مطرح نمی کنند؟ و این مطالب کاملاً صحیح است و خوشبختانه امروز حرکتی شایسته در مباحث فقهی مشاهده می شود ولی باز هم اساس بحث و روش همان فقه سنتی است. فقه همانگونه که گفتیم روش است نه خود مسائل و مباحث جزئی. البته فقه به مسائل هم گفته می شود ولی به آن معنی تقسیم به سنتی و غیر سنتی نمی شود.



## فرم اشتراک

خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت شعبه میدان شهداء قم واریز و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسدار اسلام قم صندوق پستی ۳۲۰ ارسال فرمائید.

### تذکر:

- ۱- بهای اشتراک یک سال ۶۰۰ ریال، دو سال ۱۲۰۰ ریال است.
- ۲- وجه اشتراک را می توانید از طریق تمام بانک های کشور به حساب جاری فوق واریز نمائید.
- ۳- در صورتی که به بانک دسترسی نداشته باشید وجه اشتراک را با پست سفارشی ارسال نمائید.
- ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را بشرح زیر در نامه ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.

اینجانب..... نام خانوادگی.....

شهرستان..... آدرس کامل.....

ماهنامه به مدت..... سال از شماره..... با مجله پاسدار اسلام مشترک شوم لذا مبلغ..... ریال توسط بانک..... به حساب جاری فوق واریز و فیش بانکی را به پست ارسال می دارم.

## قابل توجه

خوانندگان مجله پاسدار اسلام

- دوره سال اول و دوم پاسدار اسلام جداگانه به صورت صحافی شده موجود و قیمت هر دوره ۸۵۰ ریال می باشد.
- علاقمندان بهای هر دوره را به حساب جاری شماره ۶۰۰ بانک ملت شعبه میدان شهداء قم واریز و فیش آنرا همراه با آدرس خود به نشانی قم صندوق پستی ۳۲۰ ارسال فرمایند.